



بررسی سنجشی اشعار دیداری طاهره صفارزاده و سعاد صباح

گیتاذاکری

دانشجوی دکتری ادبیات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

چکیده

شعر دیداری یا کانکریت، گونه‌ای از ادبیات معاصر است که سراینده‌ی آن با نیم‌نگاهی به هنر گرافیک و با استفاده از «هنجارگریزی نوشتاری» به نگارش نقاشانه دست می‌زند. در شعر دیداری، خطوط، به شیوه‌ای معنادار و با شکلی خاص روی صفحه تنظیم می‌شود. شاعر شعر دیداری، درون‌مایه‌ی شعر خود را با استفاده از هنر گرافیک و از طریق بازی با کلمات و حروف، در مقابل دیدگان مخاطب قرار می‌دهد. در این گونه‌ی شعری، شکل، به فهم پیام شاعر کمک می‌کند. روش این تحقیق، از نوع توصیفی-تحلیلی است و اطلاعات لازم برای سنجش نمونه‌ها به شیوه‌ی کتابخانه‌ای و از طریق بررسی مستقیم متون حاصل شده است. پژوهش حاضر قصد دارد با تمرکز بر شعر دیداری دو شاعر معاصر پارسی و عربی، طاهره صفارزاده و سعاد صباح نشان دهد که چگونه عناصر نوشتاری و تصویری متن در کنار یکدیگر، معانی جدید می‌آفرینند. یافته‌های این جستار، نشان از آن دارد که: الف) شباهت‌های بسیار نزدیکی میان جریان شعر دیداری در ادبیات فارسی و عربی وجود دارد. ب) طاهره صفارزاده و سعاد صباح، در اشعار دیداری خویش، از شیوه‌های همسان و قابل مقایسه‌ای از قبیل تجزیه و جدانویسی، گوناگون‌نویسی مصراع‌ها و تکرار استفاده کرده‌اند. **واژه‌های کلیدی:** بررسی تطبیقی، شعر دیداری، طاهره صفارزاده، سعاد صباح.

مقدمه

«عصر ساختاری گفتار که صوت است و منش شنیداری دارد وقتی به صورت نوشتار در می‌آید منش دیداری پیدا می‌کند. بدین ترتیب نشانه‌های زبانی که به قول سوسور (Saussure) و پیرس (Pierce) سمبلیک اند و ارتباط میان آنها و موضوعاتشان قراردادی است، به نشانه‌های آیکونیک (Iconic) تبدیل می‌شوند که منش دیداری دارند. بنابراین وقتی به نشانه‌های سمبلیک و زمانی و شنیداری گفتار، بعضی از خصوصیات نشانه‌های آیکونیک و مکانی و دیداری نوشتار